■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۵۱۸ ■ چهارشنبه ■ ۲۶ آذر ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۰۰ | اذان مغرب ۱۷/۱۳ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۵ | اذان صبح فردا ۵/۳۸ | طلوع آفتاب فردا ۷/۰۸

سخن روز

امام علی(ع): اگردر وجود کسی خصلتی پسندیده باشد، انتظار خصلت‌های پسندیده دیگری را نیز در او داشته باشید.

نهج‌البلاغه، حکمت ۴۴۵

محمد گلریز: راغب پدر موسیقی انقلاب بود

مرحوم راغب عاشقانه و بدون هیچ سفارشی عاشق موسیقی انقلاب بود و این خیلی جالب است که هیچکدام از ترانه و آهنگ‌هایی که توسط او آهنگسازی می‌شد شبیه هم نبودند. من بر این باورم اگر اکنون بزرگانی چون حمید سبزواری به‌عنوان پدر شعر انقلاب معرفی می‌شوند، مرحوم احمد راغب هم باید به‌عنوان پدر موسیقی انقلاب معرفی شود.

خواننده موسیقی انقلاب در گفت‌وگو با مهر از تأثیر احمدعلی راغب در موسیقی انقلاب گفت.

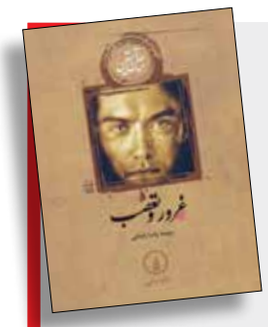

در هر دلبستگی و علاقه‌ای هم قدردانی وجود دارد و هم خودبینی.

غرور و تعصب/ جین آستین
مترجم: رضا رضایی/ نشر نی

نـــگاره

امیرعباس تبریزی

گفتی مرا که چونی در روی ما نظر کن
گفتی خوشی تو بی‌ما زین طعنه‌ها گذر کن
(مولوی)

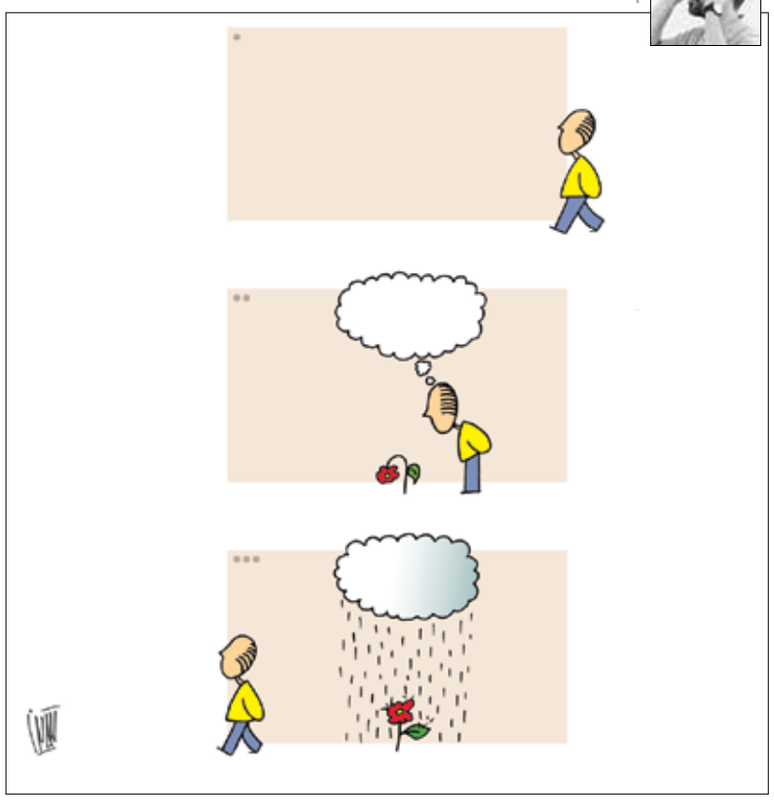

به بهانه سالروز تولد استاد بیژن نعمتی شریف و عروسک‌هایش

مردی که با دست‌هایش فکر می‌کرد

یادداشت

اردشیر صالح‌پور
استاد دانشگاه

بیژن نعمتی شریف (۱۳۲۶-۱۳۹۱)، شریف و نجیب بود. خلاق و مهربان، تمام زندگی‌اش در دستان خلاقش خلاصه می‌شد، مبتکر و سازنده، همواره آن چهره صمیمی و مهربانش در یادها خواهد ماند. دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و گرایش عروسک، مدام در کارگاه بود و از اره و چسب و چوب و پارچه و سرانجام عروسک‌هایی که به مهربانی در دستان پر مهر او زاده شد، جان می‌گرفت. همچون پدر ژپتو... در کانون هم مدام در کارگاه بود، کسی باور نمی‌کرد در پس آن چهره مهربان و صمیمی این همه خلاقیت و ابتکار نهان باشد.

شتابان از پله‌های دانشگاه بالا می‌آمد و یکراست می‌رفت داخل کارگاه و کلاس درسش هم همانجا بود و تا دیروقت می‌ماند. همیشه فضای کارگاه سرشار از بوی چسب و تینر و ذرات یونولیت و فومی به هوا بلند شده بود و در سر میزکارش، مدام چایی‌اش یخ می‌کرد. از چوب و پارچه و یونولیت و فوم عروسکی را خلاق می‌ساخت که انتظارش را نداشتی و حالا مانده بود که آن را نمایشی کند و به حرکت درآورد. آن هنر دومش بود. عروسک‌ها گاه «بازیچه‌ای» اندگاه نمایشی؛ این کارهای «بیژن» هر دو حالت و خصلت را داشت. تکیه‌گاه و پایگاهی برای هنرمندان عروسکی بود هر کارگردان و نمایشنامه‌نویسی اول به سراغ او می‌رفت و راجع به عروسک که صحبت می‌کرد، «بیژن» روی هوا عروسک را تو ذهنش می‌ساخت و بعد تبدیلش می‌کرد به پارچه و چسب و چوب و سرانجام حرکاتش را از دل کار درمی‌آورد و بخشی از حال شیرین خودش را به او هدیه می‌کرد.

او جزو آخرین نسل از عروسک‌سازان طلایی «کانون» بود که هم مجموعه‌سازی‌ها را بخوبی می‌شناخت و هم هنر و هنرمندی را، مثل زنده یاد استاد نصرت کریمی با دستان خلاقش از گل و خمیر حالات شخصیت‌ها را بازآفرینی می‌کرد و به آنها جان و زندگی می‌بخشید. جدا از نسل خیمه‌شب‌بازان عروسکی، نظیر استاد احمد خمسه‌ای و استاد اصغر احمدی که از دودمان عروسک‌های سنتی ایرانی بودند، حیات و احیای عروسک و عروسک‌سازی مدیون همین نسل کانونی‌هاست که حیات و تعریف تازه‌ای به عروسک دادند. برای «بیژن» کانون و دانشکده هنرهای زیبا و دانشکده هنرهای دراماتیک و دانشکده هنر فرقی نداشت. هر جا عروسک بود، بیژن هم بود و فروتنی او باعث می‌شد که نظیری نداشته باشد. عروسک که ساخته می‌شد دیگر کسی به فکر خالق و آفریننده او نبود. خود عروسک دلبری می‌کرد سازنده مثل مادری که بند ناف را قطع کرده باشد، جدا می‌شد و عروسک در حضور سازنده به زندگی خود ادامه می‌داد. همین امر سبب شد تا کمتر «بیژن نعمتی شریف» به چشم بیاید. پشت صحنه همیشه مغضوب فراموشی شد اما اهالی نمایش عروسکی و خانواده‌های نمایشگران عروسکی بخوبی قدر اهمیت و منزلت او را می‌دانستند.

آخرین دستاوردهای عروسکی او را به یاد دارم، عروسک‌های «خیمه شب‌بازی قاجاری» به اهتمام بهروز غریب‌پور که برای جشنواره یونیما بازسازی شده بود، کپی برابر اصل، خلاقانه و زیبا. او فروتنانه شاگردان زیادی را تربیت کرد و آموزه‌های بسیاری را به آنان سپرد. تجارب مجسمه‌سازی که تخصص اصلی او بود. به همراه صفای صمیمانه شخصیت دوست داشتنی‌اش و حضور مداوم و پیوسته با عروسک‌ها او را منحصر به‌فرد کرده بود. در زمینه مجسمه‌سازی از استاد پرویز تناولی بهره‌های بسیاری را به‌عنوان شاگرد آموخته بود و عیناً همان‌ها را به همراه تجارب شخصی، بی‌دریغ، به دانشجویان رشته عروسکی منتقل می‌کرد. عروسک نمایش‌ها، فیلم‌ها، سریال‌ها و... خاطرات به یاد ماندنی دستان توانمند بیژن نعمتی شریف بود که به صحنه‌های نمایش عروسکی جان می‌گرفت و در یاد و خاطره می‌ماند.

اما چقدر همه چیز زود فراموش می‌شود. چقدر حافظه انسان‌ها کوتاه است تا همین دهه‌های اخیر بیژن نعمتی شریف یکی از نام آورترین استادان عروسک ساز نمایش‌های ایران بود و حالا چه زود از یاد رفته است.

مامان، گمنامم پیدا شد

ضدآفتاب مرغوب

بهاءالدین مرشدی
داستان‌نویس

همین دوسه روزه نشسته‌ام توی خانه و هی فیلم مستند می‌بینم. اصلاً انگار این خانه‌نشینی باعث شده کارهای نکرده را انجام بدهیم. اصلاً حرفم این نیست که خانه‌نشینی خوب است. اصلاً هم خوب نیست. حداقلش با این اضطراب و ترسی که این ویروس به جان‌مان انداخته خوب نیست اما «چاره چیست؟» یک وقتی توی شهر ما یک پیرمردی داشت از کوه بالا می‌رفت و یکی به او گفت: «پیرمرد چرا به خودت زحمت می‌دهی؟» و پیرمرد هم در جوابش گفته بود: «چاره چیست؟» حالا هم آن مسیر اسمش شده «چاره‌چه». خب اینها شاید قصه‌هایی است که حول یک جایی شکل می‌گیرد اما قصه‌های قشنگی هستند. اصلاً قصه مقوله قشنگی است. روایت مقوله جذابی است که همیشه آدمی را به خودش جلب می‌کند. حالا از همین قصه و روایت می‌خواهم برم توی مستندهایی که دیده‌ام. فکر کنید یک نفر از ابتدای جنگ عراق با ایران در جبهه بوده است. بعد درست چند روز قبل از اینکه جنگ تمام شود، ناگهان مفقودالاثر باشد و بعد همین مفقودالاثر بودن بشود یک پای روایت‌هایی که برای او می‌سازند. این قصه فیلم مستند «زیر صفر مرزی» است که مهدی افشارنیک ساخته است. مستندی که به سراغ بازمانده‌های جنگ رفته و روایت آنها را با همرزمی شهید علی هاشمی روایت کرده است. از همان ابتدای مستند شما در یک تعلیق به سر می‌برید. تعلیقی که می‌دانید روایت به کجا خواهد رسید اما این تعلیق با شما می‌ماند. تعلیق همیشه رکن اساسی قصه‌ها هستند. حتی اگر قصه‌ها از واقعیت گرفته شده باشند هم باید تعلیق در آنها جا بگیرد تا ما مردمان قصه دوست گوش بدهیم. همان خب بعدش چه شد که در همین ستون درباره‌اش حرف زده‌ام. خب حالا بعد ماجرای علی هاشمی چه شد؟ پیکر علی هاشمی بعد از ۲۲ سال پیدا شد و افسانه‌های شکل گرفته حول او هم تمام شد. حالا این فیلمساز است که به سراغ این سوژه رفته و خواسته او را دراماتیک کند. البته فیلمساز دلش نیامده و گریزی هم به وضعیت جنوب بعد از جنگ هم زده است و از نفت آن سرزمین گفته و از فقر آن سرزمین روایت کرده است. روایت‌هایی آشنا از زبان مردمان جنوب. با این همه انگار افشارنیک دغدغه داشته این دردها را بگوید. البته از این ترفند هم استفاده کرده که اگر علی هاشمی‌ها بودند وضعیت چطور بود؟ این وضعیت مناسب بعد از علی هاشمی‌ها نیست. فیلمساز باز هم پا را در روایت اصلی نگه داشته اما من فکر می‌کنم مهدی افشارنیک اگر در همان قصه اصلی می‌ماند مستند قبراق‌تر بود. یا اصلاً این دو روایت را موازی با هم پیش می‌برد و آنها را از یکدیگر جدا نمی‌کرد. اما ما جای فیلمساز نیستیم. فیلم آنجا به اوج می‌رسد که مادر شهید با پیکر فرزندش روبه‌رو می‌شود و این جا زاری‌های یک مادر است بر پیکر فرزند. همان جاکه می‌گوید: «مامان خوش آمدی، مامان، گمنامم پیدا شد.»

روایت‌های فراموش شده در جنگ بسیار است که وقتی می‌شنوید تازه می‌فهمید که چه اتفاق‌ها که نیفتاده است و باید روایت شود. حالا همه اینها را نوشتم که بگویم اگر دل‌تان خواست فیلم‌های مستند در هر ژانری ببینید می‌توانید به سایت «هاشور» بروید و این فیلم‌ها را تماشا کنید. اصلاً این نوع سایت‌ها امکان‌های بی‌نظیری هستند که باید از آنها استفاده کرد. آن‌قدر که این خانه‌نشینی اجباری به رونق این‌طور سایت‌ها کمک کرده و شکل اکران و دیدن فیلم را عوض کرده بعید است تا سال‌ها و سال‌ها بدون این خانه‌نشینی‌ها می‌شد به این امکانات رسید. درست عین کلاس‌های آنلاین که قدیمی که ما درس می‌خواندیم فکرش را هم نمی‌توانستیم بکنیم.

داستانی برای نوجوانان امروز

پیشنهاد

رضا فیاضی
بازیگر و نویسنده

من در کنار سال‌ها کار در سینما و تلویزیون و بازی در سریال‌های مخصوص کودکان کتاب‌های زیادی برای کودکان و نوجوانان نوشته و منتشر کرده‌ام؛ کتاب‌هایی مانند «قصه‌های ملی» و «پرسه در پاریس». اما به تازگی رمانی برای نوجوانان نوشته و منتشر کرده‌ام که آن را بسیار دوست دارم، رمانی به نام «داستان تتو». نوجوانان این روزها به تتو علاقه زیادی دارند و این یکی از مسائلی است که ممکن است باعث اختلافاتی بین آنها و خانواده‌هایشان شود. «داستان تتو» درباره دختر نوجوان ۱۴ ساله‌ای به نام ریحانه است که با دختری در مدرسه‌اش آشنا می‌شود که یک پروانه تتو کرده است؛ ریحانه عاشق آن پروانه می‌شود و دلش می‌خواهد یک تتو شبیه آن داشته باشد، اما اتفاقات عجیب و غریبی برایش می‌افتد که هنوز هم وقتی یادش می‌افتم خودم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این کتاب را بسیار دوست دارم و به نظرم درباره یکی از مسائل جامعه امروز و نوجوانان ماست که کمتر به آن پرداخته شده است و فکر می‌کنم برای نوجوانان خواندن این کتاب و موضوعش بسیار جذاب باشد. «داستان تتو» برای گروه های سنی « د » و « ه » مناسب است.

■ **داستان تتو**
■ **نویسنده: رضا فیاضی**
■ **سال انتشار: ۱۳۹۹**
■ **نشر: نودا**

به نام تاریخ

■ **۲۶ آذر**

دویست و هفتاد و دومین روز از سال مصادف با تولد و درگذشت نویسندگان بزرگی است که از چهره‌های شاخص ادبیات زمان خودشان هستند.

■ **تولدها**

بیژن نعمتی شریف: نقاش و مجسمه ساز و عروسک ساز ایرانی سال ۱۳۲۶ در چنین روزی به دنیا آمد. بیژن نعمتی شریف رشته مجسمه‌سازی را در دانشگاه تهران خواند و یکی از شاگردان مطرح پرویز تناولی بود اما به عروسک‌سازی هم علاقه زیادی داشت و از سال ۱۳۵۴ در مرکز تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به‌عنوان طراح و سازنده عروسک‌های نمایشی کارش را آغاز کرد. او در سال‌های فعالیتش عروسک‌های ۵۸ پروژه نمایشی و غیر نمایشی مانند «بابابزرگ و ترب»، «کارگاه»، «مدرسه خرگوش‌ها»، «سفر سبز در سبز» و «زاغچه کنجکاو» را طراحی کرد و ساخت. نعمتی شریف هنرمند برگزیده چهارمین نمایشگاه دو سالانه بین‌المللی مجسمه‌سازی معاصر تهران در سال ۲۰۰۵ شد و از دوازدهمین جشنواره تئاتر عروسکی تهران لوح تقدیر گرفت. او سال ۱۳۹۱ درگذشت.

آرتور سی. کلارک: نویسنده انگلیسی که با رمان «اودیسه فضایی» شناخته می‌شود سال ۱۹۱۷ در چنین روزی متولد شد. آرتور سی. کلارک در رشته فیزیک و ریاضیات تحصیل کرد و در انجمن‌ها و آکادمی‌های معتبر نجوم عضو بود و این علاقه و تجربه را در آثارش هم می‌شد دید. «شن‌های مریخ» نخستین کتاب او بود که سال ۱۹۵۱ منتشر شد و پس از آن داستان‌های «پایان کودکی»، «نور زمین»، «شهر و ستارگان»، «ریزش غبار ماه» و «نه میلیارد نام خدا» را نوشت. معروف‌ترین اثرش یعنی «۲۰۰۱: اودیسه فضایی» سال ۱۹۶۸ منتشر شد و او را به شهرت رساند. «میعاد با راما»، «امپراطوری زمین»، «چشمه‌های بهشت»، «۲۰۱۰: اودیسه دو»، «۲۰۶۱: اودیسه سه»، «ریشتر ۱۰» و «۳۰۰۱: اودیسه نهایی» از دیگر داستان‌های آرتور سی. کلارک است او سال ۱۹۸۶ جایزه آرتور سی کلارک را پایه‌گذاری کرد که به بهترین اثر علمی-تخیلی منتشر شده در بریتانیا تعلق می‌گیرد. سال ۲۰۰۰ مقام شوالیه به آرتور سی کلارک اعطا شد و سال ۲۰۰۸ درگذشت.

■ **جین آستن** نویسنده انگلیسی، **جرج استیونز** فیلمساز امریکایی، **طاهره علوی** داستان نویس، **صادق مرادی** شاعر و **مهدی ملکی** شاعر هم متولد امروز هستند.

■ **درگذشت‌ها:**

آلفونس دوده: نویسنده فرانسوی سال ۱۸۹۷ در چنین روزی درگذشت. آلفونس دوده متولد ۱۸۴۰ بود و از ۱۵ سالگی نوشتن شعر و داستان و نمایشنامه را آغاز کرد. او با داستان «نامه‌های آسیای من» مشهور شد که سال ۱۸۶۹ منتشر شد و پس از آن «قصه‌های دوشنبه»، «همسران هنرمند»، «ژاک»، «ناباب»، «کشیش»، «سافو»، «نیورونز زیبا» و «آرنوین» را توشت. «آخرین بت» اولین نمایشنامه او بود که اجرا شد و بسیار هم با استقبال مواجه شد. دوده یک سبک داستان‌نویسی را بنیان گذاشت که پیش از او هم وجود داشت ،اما ساز و کاری منظم نداشت؛ رمان‌نویسی پاریسی. دوده سعی کرد رمان‌هایی بنویسد که مؤلفه‌های نویسندگان فرانسوی در آن حضور مشخص و معینی داشته باشد. معروفترین اثری که از او در این سبک وجود دارد، «سافو» است.

فرخ غفاری: سینماشناس و پایه‌گذار کانون فیلم و فیلم خانه ملی ایران سال ۱۳۸۵ درگذشت. فرخ غفاری متولد سال ۱۳۰۰ بود و وقتی همراه پدرش که وزیرمختار ایران در بلژیک شده بود به اروپا رفت به سینما علاقه‌مند شد. علی رغم میل پدرش در رشته ادبیات تحصیل کرد و پس از آن هم کار در تئاتر را در فرانسه آغاز کرد. پس از بازگشت به ایران و در سال ۱۳۳۷ فیلمی به‌نام «جنوب شهر» ساخت که توقیف شد و پس از فیلم ضعیف «عروس کدومه» چند سالی فیلمسازی را کنار گذاشت و از سال ۱۳۴۲ با فیلم «شب قوزی» کارش را ادامه داد. او مستندهایی مانند «جزیره فارسی»، «رگ‌های سیاه»، «زندگی نفت» و «نور زمان» ساخت و در کنار اینها تلاش کرد با تأسیس کانون فیلم ایران در سال ۱۳۲۸ به سینمای ایران کمک کند. او مؤسس و مدیر آرشیو فیلم ایران و فیلم خانه ملی ایران هم بود و بسیاری از هنرمندان شهرهای دورافتاده ایران را شناسایی و معرفی کرد.

■ **ویلیام سامرست موآم** نمایشنامه نویس انگلیسی و **لی وان کلیف** بازیگر امریکایی هم در چنین روزی درگذشتند.

#بورس

هشتگ

افت عجیب و غریب شاخص بورس بعد از مدتی دوباره بورس را به یکی از موضوعات مورد بحث در شبکه‌های اجتماعی تبدیل کرد. ریزش ۵۵ هزار واحدی شاخص کل بورس تهران برای همه عجیب بود و در حالی که پس از اعلام پیروزی بایدن در انتخابات امریکا بورس بیشتر کشورهای جهان رشد کرد و سبز شد بورس ایران شرایط دیگری را تجربه کرد. سهامداران فعال در شبکه‌های اجتماعی از شرایط بازار و دلایل این افت می‌نوشتند: «تنها دلیلی که می‌تونیم واسه قرمز پوش شدن بورس بیاریم اینه که در حمایت از پرسپولیس یک دست

قرمزپوش شده..! وگرنه همه تحلیلگرا می‌گفتن شرایط خوبه»، «بورس امروز ریزش عجیبی روتجربه کرده، در سومین روز قرمزپوشی، شاخص ۴۴ هزار واحد ریخت. فکر می‌کنید چرا؟»، «تم یلدایی بورس، الهام گرفته از سرخی هندوانه و انار شب یلدا»، «مار و پله و بورس. وضعیت این روزهای بورس دقیقاً شبیه بازی مار و پله شده؛ تاس می‌اندازیم و حرکت می‌کنیم و این وسط یک مار نیش می‌زند و به خانه پایین برمی‌گردیم!»، «امروز نزدیک ۳۰۰۰ هزار میلیارد تومان توسط حقیقی خارج شد. این عدد رتبه سوم خروج پول حقیقی در تاریخ بازار بود البته فاصله تا رتبه دوم ۶۵ میلیارد بود»، «بیست و شش سال قبل کیشلوفسکی با ساخت فیلم قرمز بازار امروز بورس ایران را پیش‌بینی کرده بود. امروز تمام نمادهای بورس قرمز بودند. دقت کن برادر تمام نمادهای بورس بهشت دلالان و جهنم سهامداران ایران است»، «ملت همیشه در صف امروز در تلاش برای آتیش زدن به سرمایه خود هستند!»، «همه دارایی هامون به فنا رفت»، «سرمایه‌گذاری در بورس شبیه بیمه کردن سربازی در میدان جنگ شده است.

هزار و یک محاسبه برای تعیین حق بیمه او لازم است و در نهایت ممکن است تیر غیب تمام معادلات را به هم بریزد.»، «بورس برای چندمین بار، تقاص برنده شدن بایدن را داد، فقط امیدوارم اتفاقی براش پیش نیاد و تا انتخابات ایران سالم بمونه»، «مردم ذهنیتشون نسبت به بورس خراب شده و وقتی که پولشون رو خارج می‌کنند باز زمان طولانی طول می‌کشه تا بتونی بهشون بقبولونی بورس توی میان و بلندمدت از بازارهای دیگه بهتره و نیازی نیست از بورس دربرن. اون چیزی که بورس رو رشد داد حضور همین مردمی بود که الان ترسیدن.»، «بعضی از دوستان هم انگار تاب رشد بازار سرمایه رو ندارن! شنبه استارت زدن که بکوبن و امروز آوارش روی سر سهامداران ریخت. «اعتماد» مثل آبرو می‌مونه؛ ذره ذره میاد و یک باره میره! این منفی شدن، نه هیجان بود و نه اصلاح؛ ثمره تیشه‌ای بود که دوباره به اعتماد بازار زدید. خدا قوت»، «شاخص بورس تا پایان نیمه اول معاملات ۵۱ هزار واحد ریزش داشته؛ اعلام رسمی پیروزی بایدن توسط مجمع برگزیدگان علت اصلی این ریزش است. با این اوصاف از فردا هم منتظر افت شاخص باشید!»، «در روزی که همه چیز برای صعود بورس آماده بود و طبق تحلیل‌ها و شواهد، بورس باید صعود می‌کرد، شاخص کل بورس ناگهان طی دو ساعت ۴۵ هزار واحد سقوط کرد!؟ چرا!؟ مگر چه اتفاقی افتاده!؟»، «فرش قرمز بورس برای بایدن».

شهروند مجازی

یگانه خدامی

برنده نهایی انتخابات امریکا

ماجرا

بامداد دیروز کالج انتخاباتی امریکا جو بایدن را برنده انتخابات امریکا اعلام کرد و این خبر و واکنش ترامپ و تبریک ولادیمیر پوتین به بایدن دوباره بحث انتخابات امریکا را بین کاربران ایرانی هم داغ کرد. آرای کالج انتخاباتی لحظه به لحظه توسط کاربران منتشر می‌شد و خیلی‌ها رفتار ترامپ را تا ۲۰ ژانویه و زمان انتقال دولت پیش‌بینی می‌کردند: «انگار جریانی از روی آگاهی مسئول داغ نگهداشتن تنور «شکست نهایی بایدن و پیروزی قطعی ترامپ» در انتخابات ۲۰۲۰ هستند. آنها که باید، می دانند چرا!»، «خب بالاخره آرای الکترال تأییدی بر پیروزی بایدن بود. تنها دلیل خوشحالی من کمرنگ شدن سایه جنگ از سر مردم عادی وطنم است و بس. در جنگ مردم عادی قربانی می‌شوند.»، «از نوامبر که انتخابات امریکا شروع شد، امروز بالاخره نتیجه مشخص شد و رسماً جو بایدن رئیس جمهوری میشه. بایدن در صحبتش میگه این آمار همون آمار پیروزی ترامپ در ۲۰۱۶ هست. ترامپ اونجا گفت یک پیروزی فوق‌العاده، بهشون پیشنهاد می‌کنم همین رو هم اینجا قبول کنن.»، «این اندازه پشتکار دونالد ترامپ برای تغییر نتیجه انتخابات؛ در حالی که هم مردم امریکا و هم اعضای الکترال کالج به جو بایدن رأی داده‌اند، واقعاً ستودنی است»، «دونالد ترامپ با همان نتیجه‌ای که هیلاری کلینتون را در ۲۰۱۶ شکست داده بود، کارزار انتخابات ۲۰۲۰ را به جوبایدن باخت.»، «اعضای الکترال کالج امریکا رسماً جو بایدن را به عنوان رئیس جمهوری بعدی انتخاب کردند، اما این تصمیم نیز موجب نمی‌شود که دونالد ترامپ نتیجه انتخابات را بپذیرد و از ادعای تقلب در انتخابات ریاست جمهوری امریکا چشم‌پوشی کند. کشمکش ادامه خواهد یافت.»، «هر دو سه هفته یه بار نتایج قطعی انتخابات امریکا اعلام میشه آخرشم معلوم نشد کی رئیس جمهوری شد»، «به نظرم یک سال بعد هم عده‌ای در حال ابطال انتخابات در امریکا و بازگشت ترامپ به کاخ سفید توئیت می‌کنند. وابده پدرجان، دیگه تمومه ماجرا»، «انتخابات امریکا رسماً تمام شد و ترامپ همان کاری را می‌کند که این ۴ سال با همه دنیا کرد. شریرانه اصرار می‌کند که فقط من حق دارم. دلیل اینکه اینجا کارش پیش نمی‌رود این نیست که امریکا قانون دارد. دلیلش این است که دموکرات‌ها هم اندازه او پول و قدرت دارند وگرنه قانون کشک بود.»، «انتخابات امریکا و اتفاقات خاورمیانه شده فیلمی با ژانر ماجراجویی، جنایی، معمایی، اکشن، هیجان انگیز با چاشنی طنز!»، «انگار بایدن هم با تأیید رسمی رئیس جمهوری بعدی امریکا شد. تا جایی که حافظه من یاری می‌کند، این بزرگترین انتخاباتی بود که این حجم از رسانه‌ها و مردم سراسر دنیا شب و روز با آن درگیر بودند. قطعاً نه به خاطر این خیمه شب بازی بلکه به خاطر عوامل پشت پرده آن، این انتخابات مهم شد.»

عکس نوشت

هشتمین دوسالانه مجسمه‌سازی تهران روز دوشنبه با نمایش بیش از ۹۰ اثر در تالار وحدت و پهنه رودکی آغاز به کار کرد. در این افتتاحیه که به دلیل رعایت پروتکل‌های بهداشتی با حضور محدود تعدادی از هنرمندان برگزار شد سید مجتبی حسینی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حضور داشت.